

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

مرحوم صاحب منتقى در مقابل مرحوم نائینی که به صورت مطلق فرمودند اگر دو واجب با هم تراحم کردند، واجبی که اسبق زماناً است ترجیح دارد، فرمودند باید غیر از مسئله امتثال، مسئله موضوع تکلیف و حکم را هم در بحث دخالت بدهیم در نتیجه چهار صورت تصور کردند که صورت اول را خواندیم.

صورت دوم (حکم موسع، از ناحیه امتثال و موضوع اسبق باشد)

در صورت دوم می‌فرمایند این شخص، نذر زیارت امام حسین (علیه السلام) را مقید به خود ماه رجب نکند بلکه مقید به قید دیگر کند - ظاهر عبارت این است که آن قید در خود ماه رجب محقق شود - که وقتی آن قید محقق شد موضوع امتثال نذر هم محقق شود پس موضوع و زمان امتثال ماه رجب به نحو واجب موسع است.

حالا پولی دارد که اگر این پول را صرف زیارت امام حسین (علیه السلام) در ماه رجب کند، دیگر قدرت بر اینکه در اشهر حج از جهت مالی مستطیع بشود و حج انجام بدهد ندارد. اما از آن طرف اگر این پول را نگه دارد چون زیارت امام حسین (علیه السلام) مطلق است - مقید به ماه رجب نیست و موسع است و می‌تواند بعد از اشهر حج اگر پولی به دست آورد آن را انجام دهد - برایش امکان دارد حج بجا بیاورد.

ایشان می‌گویند در این صورت تراحم بین واجب موسع و مضیق است که قبلاً روشن کردیم بین موسع و مضیق تراحم معنا ندارد. در واجب موسع اقتضایی برای تراحم با واجب مضیق وجود ندارد و مسلم است در تراحم بین دو واجب موسع و مضیق، واجب مضیق بر واجب موسع مقدم است^[1].

صورت سوم (حکم، تنها از ناحیه امتثال اسبق باشد)

در صورت سوم می‌فرمایند اگر کسی زیارت امام حسین (علیه السلام) را در روز هفتم ذی الحجه - با روز عرفه اشتباه نشود - نذر کند منتهی قیدی می‌زند و می‌گوید اگر برادرش از سفر برگردد. روز هفتم ذی الحجه هم پولی پیدا می‌کند و هم برادرش از سفر برمی‌گردد یعنی هم موضوع وجوب وفای به نذر - آمدن برادر از سفر - و هم موضوع حج - استطاعت مالی - در روز هفتم محقق می‌شود، در این صورت آیا می‌توانیم بگوئیم چون زمان امتثال زیارت امام حسین (علیه السلام) مقدم بر زمان حج است، با این پول به زیارت برود و حج را رها کند؟

ایشان می‌فرمایند در این صورت هر چند تزامم بین الحکمین وجود دارد ولی مرجع بودن نذر به جهت تقدیم زمانی را قبول نداریم یعنی مکلف می‌تواند یا پول را صرف زیارت امام حسین (علیه السلام) کند و یا می‌تواند پول را نگه دارد و حج را انجام بدهد.

در مقام تعلیل، مسئله‌ی وجوب مقدمات مفوته را به میدان می‌آورند و می‌گویند دو واجب داریم الف - وجوب وفای به نذر ب - وجوب حج. هر چند در روز هفتم موضوع هر دو فعلی شده - نذر بواسطه آمدن برادر و حج بواسطه تحصیل استطاعت مالی - اما زمان امتثال زیارت امام حسین (علیه السلام) روز هفتم و زمان امتثال حج روز نهم است اما مکلف از باب لزوم حفظ مقدمات مفوته^[2] - این مسئله را باید به عنوان یک اصل موضوعی در این بحث پذیرفت - باید قدرتش برای انجام آن حفظ کند و از طرف دیگر زمان امتثال وفای به نذر هم رسیده و باید آن را انجام بدهد در نتیجه ترجیحی بین اینها وجود ندارد.

بله اگر نسبت به حج هیچ حکمی نداشتیم یعنی می‌گفتیم اولاً زمان حج هنوز نیامده و ثانیاً حفظ مقدمه مفوته هم واجب نمی‌دانستیم وفای به نذر در روز هفتم تعین پیدا می‌کرد اما چون نسبت به حج چنین مطلبی وجود دارد باید قدرتش را برای انجام حج حفظ کند.

ایشان می‌فرماید «و الحكم في هذه الصورة وقوع التزام بين الحكمين بلا ترجيح، و عدم تقديم الأسبق منهما زمانا بحسب الواجب». چرا؟ «إذ بعد فرض ان الموضوع لكل من الحكمين في نفسه ثابت» فرض ما این است که در روز هفتم موضوع هر دو تکلیف محقق است پس «يلزم المكلف حفظ القدرة على كل منهما بملاك وجوب المقدمات المفوته» به ملاک وجوب مقدمات مفوته، هم باید قدرتش را برای وفای به نذر و هم برای انجام حج حفظ کند.

«فيحدث من جهة وجوب الحج حكم فعلى بلزوم صرف المال في الحج و السير مع القافلة المتوجهة إلى مكة» از نظر وجوب حج باید پولش را صرف رفتن به سوی عرفات کند «كما يحدث من جهة وجوب الوفاء بالنذر لزوم السير إلى كربلاء ان كان بعيدا عنها و البقاء فيها و عدم إتلاف القدرة ان كان من سكتتها» از جهت وجوب وفای به نذر هم باید سمت کربلا برود، اگر هم در کربلا ساکن است حق ندارد قدرت خودش را اتلاف کند.

در نتیجه «فيكون كل من هذين الحكمين رافعا لموضوع الحكم الآخر» هر کدام از اینها رافع موضوع دیگری است یعنی وجوب وفای به نذر رافع موضوع حج است چون حکم عقل به لزوم صرف المال برای سیر به کربلا برای حفظ مقدمه مفوته موضوع وجوب حج را از بین می‌برد و باز حکم عقل به حفظ این مال برای رفتن به مکه موضوع وجوب وفای به نذر را از بین می‌برد. «و لا أثر للسبق الزماني في مقام الامتثال» پس تقدم زمانی از حیث امتثال اثری ندارد «لأن وجوب المقدمة المفوته للواجب اللاحق يرفع موضوع الوجوب السابق في امتثاله» همین که مقدمه مفوته حج را باید مراعات کند موضوع وجوب وفای به نذر را از بین می‌برد.

در آخر می‌فرماید «و لا يختلف الحال في ذلك بين الالتزام بالواجب المعلق أو المشروط و عدمه، لأن وجوب المقدمات المفوته» چه قائل به واجب معلق و مشروط بشویم و چه نشویم مسئله‌ی وجوب حفظ مقدمات مفوته دو دلیل دارد: يك دليلش منوط به این است که ما مسئله‌ی واجب معلق و مشروط را بپذیریم، اما دلیل دیگر که همان مسئله لزوم حفظ غرض مولا است متوقف بر این نیست که ما واجب معلق و مشروط را بپذیریم یعنی ولو وجوبی هم هنوز نداشته باشیم اما عقل حکم به لزوم حفظ مقدمه مفوته می‌کند^[3].

خلاصه اینکه در این صورت هر دو واجب قیدی دارند که بخاطر وجوب حفظ مقدمات مفوته آمده است و سبب می‌شود موضوع یکی توسط دیگری از بین برود لذا هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد.

در صورت چهارم می‌گویند «کما لو نذر قبل حصول الاستطاعة ان يزور الحسين عليه السلام في يوم عرفة» هنوز مستطیع مالی نشده و نذر می‌کند امام حسین (علیه السلام) در روز عرفة زیارت کند «إن جاء أخوه من السفر فجاء أخوه» بگوئیم موضوع نذر مجبئ الاخ من السفر است، الآن مجبئ الاخ من السفر شد «كان متمكنا من السفر إلى كربلاء فعلا، و لكنه غير متمكن من السفر إلى الحج» اما هنوز تمکن از سفر به حج ندارد چون پولی که برای سفر حج باشد ندارد «فهو فعلا غير مستطیع للحج» این مستطیع برای حج فعلاً نیست اما زمان امتثال حج و نذر يوم عرفة یکی است. ایشان می‌فرمایند حکم در اینجا این است که اسبق زماناً را باید مقدم کنیم^[4].

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ منتقى الأصول، ج3، ص: 54: الثانية: ان يكون أحد الحكمين سابقا بموضوعه و امتثاله إلا انه كان بنحو الواجب الموسع، بمعنى انه إذا لم يمتثل في ظرفه يستمر الحكم و يثبت في زمان اللاحق، كالمثال المتقدم فيما إذا لم يقيد نذره الزيارة بشهر رجب بل مطلقا، و لكن كان تحقق الشرط المعلق عليه المنذور في رجل فيصير الحكم من ذلك الحين فعليا. و حكم هذه الصورة يتضح مما تقدم، فلا مزاحمة بين الواجب الموسع و الواجب المضيق، لعدم التزامهم، بين ما له اقتضاء و بين ما لا اقتضاء له. نعم، إذا تضيق وقت الموسع في وقت المضيق وقع التزامهم بينهما لكون كل منهما مضيقا.

[2] □ این بحث یکی از بحث‌های خیلی مهمی که در ضمن بحث مقدمه واجب مطرح می‌شود است. مثلاً قبل از وقت نماز يك مقدار آب دارید و یقین دارید اگر این آب را دور بریزید در داخل وقت آب برای وضو گرفتن پیدا نمی‌کنید. اینجا می‌گویند تفویت این مقدمه حرام و قبیح، و حفظ آن واجب است. در این بحث از دو راه وارد می‌شوند: الف- قول به واجب معلق: می‌گویند در واجب معلق وجوب فعلی است و واجب استقبالی است و وقتی وجوب فعلی شد مقدمه‌ی این وجوب فعلی روی قول به وجوب مقدمه واجب، وجوب پیدا می‌کند. ب- حکم عقل: مشهور که واجب معلق را قبول ندارند می‌گویند عقل حکم به قبح تفویت این مقدمه می‌کند و می‌گوید باید این مقدمه را برای اطاعت مولا در زمان خودش نگه داری و حق نداری آن را تفویت کنی.

[3] □ منتقى الأصول، ج3، ص: 54 و 55: الثالثة: ان يكون أحد الحكمين سابقا في امتثاله على امتثال الآخر، لكنه مقارن في موضوعه لموضوع الآخر، كما لو نذر قبل الاستطاعة ان يزور الحسين عليه السلام اليوم السابع من ذى الحجة ان جاء أخوه من السفر فتقارن مجيء أخيه مع حصول الاستطاعة المالية أو البدنية للحج، أو تعاقبا من دون فصل زمني طويل، بحيث لم يتمكن من الإتيان بالمقدمات المفوتة للسابق قبل حصول اللاحق. و الحكم في هذه الصورة وقوع التزامهم بين الحكمين بلا ترجيح، و عدم تقديم الأسبق منهما زمانا بحسب الواجب، إذ بعد فرض ان الموضوع لكل من الحكمين في نفسه ثابت يلزم المكلف حفظ القدرة على كل منهما بملاك وجوب المقدمات المفوتة، فيحدث من جهة وجوب الحج حكم فعلی بلزوم صرف المال في الحج و السير مع القافلة المتوجهة إلى مكة. كما يحدث من جهة وجوب الوفاء بالنذر لزوم السير إلى كربلاء ان كان بعيدا عنها و البقاء فيها و عدم إتلاف القدرة ان كان من سكنتها، فيكون كل من هذين الحكمين رافعا لموضوع الحكم الآخر و لا أثر للسبق الزماني في مقام الامتثال حينئذ، لأن وجوب المقدمة المفوتة للواجب اللاحق يرفع موضوع الوجوب السابق في امتثاله. و لا يختلف الحال في ذلك بين الالتزام بالواجب المعلق أو المشروط و عدمه، لأن وجوب المقدمات المفوتة لازم اما بملاك لزوم حفظ الغرض الثابت في كل من الحكمين في نفسه، أو بملاك الوجوب المقدمي لو التزم بالواجب المعلق أو المشروط بالشرط المتأخر.

[4] □ منتقى الأصول، ج3، ص: 55 و 56: الرابعة: ان يكون كل من الحكمين متقارنين زمانا بحسب الامتثال. لكن أحدهما أسبق موضوعا من الآخر، بنحو يستطيع المكلف المحافظة عليه قبل حدوث موضوع الآخر، كما لو نذر قبل حصول الاستطاعة ان يزور الحسين عليه السلام في يوم عرفة إن جاء أخوه من السفر، فجاء أخوه و كان متمكنا من السفر إلى كربلاء فعلا، و لكنه غير متمكن من السفر إلى الحج، فهو فعلا غير مستطیع للحج. و الحكم في هذه الصورة تقديم الأسبق زمانا و هو النذر في المثال، لأنه

ينشأ منه فعلا حكم بوجوب المقدمة المفوتة، فيلزمه المحافظة على القدرة فعلا، فيصرف المال فى شئون الزيارة أو يسافر فعلا للزيارة، فيرتفع بذلك موضوع الحج، و لا حكم يمنع من ذلك، لأن موضوع الحج لم يتحقق بعد، فلا نظر له إلى حفظ مقدماته المفوتة و لذا يجوز له إتلاف المال قبل الاستطاعة لو لم يكن هناك وجوب آخر يدعو للمحافظة عليه، فتكون الصورة نظير الصورة الأولى. و من هذا البيان يظهر انه لا أثر لتقارن وقت الامتثال، بل الحكم المذكور جار حتى مع أسبقية الآخر موضوعا فى امتثاله. فالتفت.